

ظرفیت‌های برنامه‌ریزی شهری همکارانه برای پاسخ به مسائل سالمندی شهری کاوه اسدپور^۱

دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

مهین نسترن

دانشیار دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

محمودرضا ثقفی

دانشیار دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۶ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۷

چکیده

با رشد امکانات زیست و حمایت‌های بهداشتی از شهروندان، هر سال به سهم سالمندان از جمعیت شهرها افزوده می‌شود. متناظر با این افزایش سهم، چالش‌های جدیدی پیش روی مدیریت شهری قرار گرفته است. سالمندان بنا به ویژگی‌های خاص عملکردی و فیزیکی خود از یک طرف امکان استفاده از برخی تسهیلات موجود در شهرها را نداشته و از سوی دیگر نیازهایی ویژه دارند که در برنامه‌های متداول توسعه شهری مغفول واقع شده‌اند. مدیریت شهری همواره بایستی به نیازهای شهروندان پاسخگو بوده و به‌ویژه از گروه‌های در معرض آسیب حمایتی ویژه به عمل آورد. در واقع در الگوی مطلوب، مدیریت شهری علاوه بر عدالت ورزی در تأمین خدمات (که هدف آن عموم شهروندان است) می‌بایست نوعی از «تبعیض مثبت» را در فضای شهر حاکم نماید. در سطح جهانی، برنامه‌ریزی همکارانه به‌عنوان شیوه‌ای نوین از برنامه‌ریزی شهری که هدف خود را بر پاسخ به مسئله «مردم‌سالاری در برنامه‌ریزی شهری» از طریق فرصت دهی به شهروندان برای تدوین، تصویب و نهایتاً اجرای پیشنهادهای توسعه‌ای قرار داده است، در بسیاری از حوزه‌های بالادستی برنامه‌ریزی به کار گرفته شده است. مقاله حاضر با تبیین ظرفیت‌های این شیوه از برنامه‌ریزی شهری برای پاسخ به مسئله سالمندی شهروندان، این پیشنهاد را طرح می‌نماید که با استفاده از برنامه‌ریزی همکارانه در سطح برنامه‌های محلی توسعه شهری، از تکرار تجربه شکست‌خورده برنامه‌ریزی سنتی - جامع برای مواجهه با مسئله سالمندی پیشگیری نموده و از این طریق به ارتقا کیفیت زندگی سالمندان به‌عنوان یک گروه آسیب‌پذیر اجتماعی اقدام شود.

واژگان کلیدی: سالمندی، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی همکارانه، مشارکت شهروندی

مقدمه و بیان مسئله

مطابق با تعریف سازمان جهانی بهداشت در کشورهای در حال توسعه، مبنای سالمندی عبور از سن ۶۰ سالگی دانسته شده است. در ایران نیز بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن که در سال ۱۳۹۵ انجام شده است، از مجموع جمعیت ۷۹ میلیونی کشور، ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر یعنی ۹٫۲۸ درصد سالمند هستند. از سوی دیگر دبیرخانه شورای ملی سالمندان، پیش‌بینی نموده است که درصد سالمندان ایران تا سال ۱۴۰۴ شمسی به ۱۰ و تا ۱۴۳۰ شمسی به بیش از ۳۰ درصد برسد. (فارس، ۱۳۹۶)

بر اساس این پیش‌بینی در سال ۱۴۳۰ سهم جمعیت سالمند در ایران از میانگین جهان و آسیا بیشتر شده و از هر سه نفر، یک نفر سالمند خواهد بود.

این سرعت رشد جمعیت سالمند در مقایسه با رشد جمعیت کل کشور و پیش‌بینی افزایش تعداد و سهم سالخوردگان در سال‌های آینده لزوم برنامه‌ریزی آینده‌نگر برای کنترل مسائل مربوط به این گروه از جمعیت را مورد تأکید قرار می‌دهد. لذا ضروری خواهد بود که این موضوع به‌عنوان یک اولویت مهم، در صدر سیاست‌ها و برنامه‌های کشور قرار گیرد.

چالش‌های عملی توسعه فراگیر، کارآمد، و مورد وفاق ۳ منجر تغییر نگاه نظری به برنامه‌ریزی شهری منجر به شکل‌گیری پارادایم‌های غیر جامع برنامه‌ریزی همچون برنامه‌ریزی مشارکتی^۴، وکالتی^۵، ارتباطی^۶ و همکارانه^۷ گردید.

حال امکان این پرسش فراهم شده است که آیا می‌توان از برنامه‌ریزی همکارانه و ظرفیت‌های چشمگیر آن در پاسخ به مسئله فراگیری توسعه در تمامی لایه‌های اجتماعی شهروندی، به‌طور مشخص برای پاسخ به مسئله سالمندی در شهر نیز بهره برد؟ علاوه بر امکان‌سنجی این پرسش دیگر نیز قابل طرح است که میزان دستاوردهای احتمالی به‌کارگیری پارادایم همکارانه و انگاشت‌های زیرمجموعه^۸ آن در حل مشکلات پیش روی سالمندان تا کجا خواهد بود؟

مبانی نظری و فرآیند پژوهش

در مقاله حاضر پس از تبیین نظریات شش‌گانه مرتبط با تحلیل مسئله سالمندی در شهر و فاصله میان دستور کار شیوه‌های سنتی برنامه‌ریزی شهری با نیازهای این گروه سنی پرداخته می‌شود. در گام بعد چارچوب نظری برنامه‌ریزی همکارانه به‌عنوان شیوه‌ای نوین در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفته و ظرفیت‌های آن برای پاسخ به چالش‌های پیش روی برنامه‌ریزی سنتی جامع در مواجهه با مسئله سالمندی در شهر ارزیابی شده و در قالب یک بسته سیاست‌گذاری پیشنهادی مقاله ارائه می‌گردند. (شکل ۱)

^۱ - Inclusive

^۲ - Efficient

^۳ - Consensus

^۴ - Participatory

^۵ - Advocacy

^۶ - Communicative

^۷ - Collaborative

^۸ - Approach



شکل ۱: فرآیند پژوهش

الف- نظریه عدم تعهد: ۱

این نظریه به‌عنوان یکی از نظریات مطرح‌شده در مورد سالمندان، برای اولین بار توسط کیومینگ و هنری (۱۹۶۱) مطرح شد، با این تفسیر که «پیر شدن اجتناب‌ناپذیر، همراه با عدم تعهد دوجانبه و با کاهش تعاملات بین شخص با دیگر افراد در سیستم اجتماعی که در آن قرار دارد همراه است» (Bengtson, Gans, Putney, & Silverstein, 2012).

بنابراین نظریه، پیر شدن با عدم تعهد متقابل فرد و اجتماع همراه است. فرد رفته‌رفته از مداخله در زندگی اجتماعی بازمی‌ایستد و اجتماع نیز کمتر از قبل انواع مختلف امتیازات را به او عرضه می‌دارد (Cumming & Henry, 1981). البته بحث در مورد این موضوع که آیا فرد سالمند است که فرآیند عدم تعهد را آغاز می‌کند، یا این جامعه است که سالمندان را وادار می‌کند تا خود را از زندگی فعال کنار بکشند همچنان در بین نظریه‌پردازان در این حوزه موجود است (Ebersole, Hess, Touhy, & Jett, 2015).

۹ شرط برای به وجود آمدن عدم تعهد در بین سالمندان نیاز است که به عبارت زیرند: (Cumming & Henry, 1981)

۱- همه مرگ را خواهند دید و توانایی‌های شخص در طول زمان به سمت زوال می‌رود. در نتیجه هرکسی در اجتماع خود ارتباط‌های خود را با دیگران از دست خواهد داد.

۲- به دلیل این که ارتباط بین انسان‌ها، هنجارها را مستحکم‌تر می‌کند، شخصی که تنوع ارتباطی کمتری دارد، آزادی بیشتری از هنجارهای تعیین‌شده توسط این ارتباطات دارد. در نتیجه این نوع از عدم تعهد به یک چرخه خود-جاودانگی تبدیل می‌شود.

۳- به دلیل نقش‌های مختلفی که مردها و زنها دارند (در آمریکا مردان نقش عملی و زنان نقش احساسی-اجتماعی)، عدم تعهد بین آن‌ها متفاوت است.

1 - Disengagement theory

2 -Elaine Cumming and William Henry (1961)

۴- زندگی افراد بر اساس تغییرات در خود نشانه‌گذاری می‌شود. برای نمونه، سالمندی نمونه‌ای از تغییر خود است، به این دلیل که دانش و توانایی روبه‌زوال می‌رود. موفقیت در یک جامعه صنعتی نیازمند دانش و توانایی است. برای جوابگویی به این نیاز، طبقه‌بندی سن، توانایی و دانش جوانان را تضمین می‌کند و سالمندان قبل از این که توانایی خود را از دست بدهند، بازنشسته می‌شوند. این نوع از عدم تعهد از شخص تأثیر می‌پذیرد و توسط تغییر خود و یا سازمان‌ها برانگیخته می‌شوند، که هر دو نیز نتیجه امر سازمانی است.

۵- وقتی هم جامعه و هم شخص آماده عدم تعهد می‌باشند، عدم تعهد کامل رخ می‌دهد. وقتی هیچ‌کدام آماده نیستند، تعهد ادامه پیدا می‌کند. وقتی شخص آماده عدم تعهد است ولی جامعه نه، انفصال بین انتظارات شخص و افراد جامعه پیش می‌آید، ولی تعهد عمدتاً ادامه پیدا می‌کند. وقتی جامعه آماده است ولی شخص خیر، نتیجه این انفصال عمدتاً عدم تعهد است.

۶- نقش اصلی مرد کار است و نقش اصلی زن ازدواج و خانواده. اگر افراد نقش‌های اصلی خود را ترک کنند، آن‌ها فضای زندگی اجتماعی را از دست خواهند داد و از بحران و غیراخلاقی بودن رنج خواهند برد، تا زمانی که نقش‌های متفاوت موردنیاز در زمان وقوع عدم تعهد را بپذیرند.

۷- این شرط دارای دو مفهوم اصلی است:

الف) آمادگی برای عدم تعهد زمانی اتفاق می‌افتد که:

- شخص از کم بودن زمان و زندگی‌اش مطلع است.
 - شخص معتقد است که فضای زندگی‌اش در حال کاهش است.
 - شخص انرژی خود را از دست می‌دهد.
- ب) هر طبقه از اجتماع اجازه عدم تعهد به شخص را اعطا می‌کند، به دلیل:

- نیازهای عقلایی-حقوقی سیستم اشتغال در جامعه سرشار
- طبیعت خانواده هسته‌ای
- تغییر در نرخ مرگ

۸- مرادفات کمتر و عدم تعهد از نقش‌های اصلی باعث روابطی در تغییرات نقش موجود می‌شود. بجای آن، پاداش‌های ناشی از روابط متنوع‌تر می‌شوند و مسئولیت‌ها و تقسیم‌کار به شیوه عمودی به افقی تبدیل می‌شوند.

۹- تئوری عدم تعهد از فرهنگ مجزا است، ولی نوع شکل‌گیری‌اش ملتزم فرهنگ است.

ب- نظریه فعالیت ۲

رابطه مستقیمی بین میزان فعالیت شخص و رضایت از زندگی او وجود دارد که در صورت وجود آن شخص احساس مثبت‌تری نسبت به تصور کلی که از خود ۳ دارد خواهد داشت و به زندگی آینده خود سازگارتر خواهد

1 -Ego

2 -Activity Theory

3 -Self concept

بود. چنین مفهومی نظریه فعالیت را تعریف می‌کند که توسط هاوینگهرست^۱ در سال ۱۹۶۱ ارائه شد (Loue & Sajatovic, 2008).

نظریه فعالیت بر این امر تأکید می‌کند که افراد در اجتماع دارای نقش‌هایی هستند که در زمان سالمندی برخی از آن نقش‌ها را به دلیل افزایش سن از دست می‌دهند. این حالت فرد را به طرف بی‌نظمی طبیعی می‌کشاند و در صورتی که نقش‌های جدیدی جانشین نقش‌های قدیمی نشوند، این بی‌نظمی دائمی خواهد شد و فرد نه تنها با موقعیت بلکه با خودش نیز ناسازگار و بیگانه می‌شود (Schulz, 2016).

بنا بر نظریه فعالیت، سالمندی موفقیت‌آمیز ایجاب می‌کند که نقش‌های تازه‌ای کشف شود یا برای حفظ نقش‌های قدیمی وسایل تازه‌ای فراهم شود (Loue & Sajatovic, 2008) تا در نتیجه آن شخص سالمند به سطحی از رضایت از زندگی دست پیدا کند. برای آنکه این آرمان تحقق یابد نیاز به بازشناسی ارزش سن و سالمندی است تا به آن‌ها نقش‌های جدیدی محول شود. با این وجود نمونه‌های موفق از شرکت سالمندان باهدف افزایش اعتمادبه‌نفس، مشارکت و حتی به دست آوردن منافع ناشی از فعالیت‌هایشان موجود است (Schulz, 2016). در نمونه‌های تحقق این نظریه با ایجاد نقش‌های جدید اجتماعی نقدهایی نیز بر ناهماهنگی آن‌ها با شرایط سلامتی و اقتصادی این افراد و یا عدم تمایل آن‌ها به مشارکت وجود دارد. به همین دلیل تعریف نقش‌های جدید پس از دوران بازنشستگی نه به معنی اجبار به کار مزدی و از دست رفتن زمان فراغت و تفریح (آن‌گونه که در شغل‌هایی همچون مسافرخشی و کارگری و نگهبانی و... می‌بینیم) نیست. بلکه به معنی تعریف حرفه‌ای متناسب با روحیات سالمند در چارچوب کار فراغتی و بدون اجبار درآمدی است (Bengtson, Gans, Putney, & Silverstein, 2012).

پ- نظریه محیط اجتماعی

بالا رفتن سن به دلایل مختلفی از جمله تأثیر بر روی عملکردی فیزیکی و شناختی بدن و ورافکنی^۲، و «بزرگ شدن» و تبدیل به یک بزرگسال برای مردم حائز اهمیت است و جامعه به همین تغییرات معنا بخشیده است تا به اهمیت آن تأکید می‌کند. اهمیت، معنا و نحوه اعمال این تغییرات بر روی افرادی که در آستانه ورود به مرحله پیری هستند از واقعیت‌های اجتماعی که در بستر آن چنین تغییراتی رخ می‌دهد، تأثیرپذیرند.

بافت اجتماعی با هنجارهای ویژه‌ای که تعریف می‌کند باعث می‌شود تا افراد را در دسته‌هایی قرار داده و موانعی را برای ورود آن‌ها به شغل و یا گروهی مشخص تعیین می‌کند و یا آن‌ها را وارد به بخش دیگری می‌کند و این خود بر روی نقشی که افراد در جامعه می‌پذیرند و تعاملاتی که در آن انجام می‌دهند مستقیماً تأثیر می‌گذارد. فعالیت افراد سالمند از سلامتی، امکانات مالی و حمایت‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد که در نتیجه والاتر آن به ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها می‌انجامد (Morgan & Kunkel, 2011).

ت- نظریه تداوم^۳

شرایطی که انسان‌ها در طول عمر دارند می‌توانند کاملاً باهم متفاوت باشند اما سازگاری و روش زندگی معمولاً از

1 -Robert J. Havinghurst

2 -Trajectory

3 - Continuity theory

طریق سبک‌ها، عادات و ذوق‌های کسب‌شده در تمام طول زندگی تعیین می‌شود. نظریه تداوم بر این تأکید می‌کند که عادات، سلیقه‌ها و سبک‌های شخصی که در جریان زندگی کسب و فراهم‌شده است تا زمان پیری (Atchley, 1989) صرف‌نظر از تغییر در شرایط فیزیکی، روحی و اجتماعی‌شان باقی می‌ماند (Schulz, 2016) همواره برای تصمیم‌گیری‌های توافقی، تغییر در ویژگی‌های روانی درونی، شرایط و رفتارهای اجتماعی به این ویژگی‌های خود رجوع می‌کنند. به همین نحو سازگاری اجتماعی با دوران سالمندی یا بازنشستگی و یا رویدادهایی از همین نوع، اصولاً توسط گذشته تعیین می‌شود (Atchley, 1989).

ث- نظریه افراد سالمند به‌عنوان خرده‌فرهنگ ۱

همانند برخی بخش‌های جامعه که با عنوان خاصی معرفی می‌شوند و اغلب به‌عنوان مشکل به آن‌ها نگاه می‌شود، گروه افراد مسن نیز در چنین جایگاهی قرار گرفته و جزء «افراد مشکل‌دار» محسوب می‌شوند. چنین پدیده‌ای زمانی روی می‌دهد که خواست‌های گروه‌های متقابل باهم همخوان نباشد. برای مثال آنچه یک شخص فقیر ندارد را یک شخص پولدار دارد. به همین شکل خواست‌های افراد پیر با جوان تقابل می‌یابند و آن‌ها را در گروه‌های متضاد قرار می‌دهد. مشکلی که برای گروه افراد مسن مطرح می‌شود سه عامل «فقر»، «نداشتن سلامتی» و «تنهایی» است.

از طرفی این‌که این گروه از افراد از طرف جامعه نیز مورد نیاز واقع نمی‌شوند و چنین رویدادی پیامدهایی را به دنبال دارد که آن‌ها را مجزاتر می‌کند. نداشتن شغل باعث می‌شود تا آن‌ها در زمان‌های آزاد مشترکی که با افراد با ویژگی‌های یکسان یعنی جامعه افراد سالمند دارند، باهم دیگر معاشرت کنند. رضایت از سن که باعث کاهش ارتباط آن‌ها با دیگر گروه‌های سنی می‌شود و خود را تنها به گروه هم‌نوعان خود محدود می‌کند و نداشتن روابط نزدیک با افراد خانواده باعث هدایت کردن آن‌ها به دیگر افراد هم‌نوع برای ایجاد دوستی می‌شود که در نتیجه آن‌ها «خرده‌فرهنگ» به وجود می‌آید (Hochschild, 1998).

این نظریه که توسط رأس ۲ مطرح‌شده است نشان می‌دهد که چگونه روابط اجتماعی بین افراد سالمند می‌تواند منجر به ایجاد آگاهی در بین این گروه شده و در هنجارهایشان تغییر ایجاد کند. آن‌ها همچنین در امکان ایجاد تغییر در شرایط زندگی خود با گسترش دادن انتظارات و هنجارها در نتیجه در ارتباط بودن با دیگر گروه‌های افراد مسن را به نمایش گذاشته‌اند. البته تحقیقاتی برخلاف دیدگاه رأس نشان داده‌اند که آگاهی گروه سنی سالمند می‌تواند به توسعه تنش‌های سیاسی در این مورد منجر نشود.

لیانگ ۳ در مورد این نظریه معتقد است که این نظریه در خود روابط اجتماعی را به‌عنوان یک شاخص دارد و نشان می‌دهد که افزایش آن تنها بر روی افزایش رضایت از زندگی تأثیرگذار است و تأثیری بر روی طرز نگرش و تفکر آن‌ها تأثیری ندارد (Liang et al.).

البته باوجود شباهت‌هایی که بین نظریه فعالیت و نظریه خرد فرهنگ وجود دارد، چنین عنوان می‌شود که نظریه خرد فرهنگ دارای ریشه‌های بیشتری در نظریه‌های اجتماعی در مورد آثار متقابل دارد (McClelland, 1982).

1 - Aged Subculture theory

2 - Arnold Rose (1962, 1965)

3 - Liang et al

ج- نظریه افراد سالمند به‌عنوان گروه اقلیت

این نظریه برای اولین بار توسط بارون ۱ در سال ۱۹۵۳ به محققان پیری‌شناسی معرفی شد. در این تحقیق شرایط سالمندان آمریکایی در مقابل تعریفی که از گروه‌های اقلیتی توسط لوئیس ورت ۲ داده شده بود، منعکس شده بود. در این تعریف اقلیت را گروهی از افراد معرفی کرده بودند که به دلیل ویژگی‌های فیزیکی و فرهنگی از بقیه افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند جدا شناخته می‌شوند، درحالی‌که رفتارهای متفاوت و یا نابرابر را تجربه می‌کنند و خود را به‌عنوان هدفی در معرض تبعیض جمعی می‌دانند. (Cuellar, Stanford, & Miller-Soule, 1992)

البته سالمندان را نمی‌توان بر اساس ارزیابی پالمور ۳ به‌طور کامل به‌عنوان گروه‌های اقلیتی معرفی کرد. ویژگی‌های این گروه و جایگاه سالمندان در آن به ترتیب زیر است:

الف) سالمندان دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی‌اند که آن‌ها را متعلق به گروه مشخصی با عنوان سالمندان می‌کند. چین و چروک پوست، رنگ موی سفید شده از جمله این ویژگی‌ها هستند. ولی به دلیل این‌که آن‌ها این ویژگی‌ها را در طول زندگی خود نداشتند (همانند زنان و یا سیاه‌پوستان) آن‌ها را نمی‌توان جزو گروه‌های اقلیتی محسوب کرد.

ب) سالمندان به دلیل این‌که به‌طور منفی و کلیشه‌ای معرفی می‌شوند و یا به بیانی دیگر توسط دیگر افراد جامعه مورد پیش‌داوری قرار می‌گیرند، جزو گروه‌های اقلیتی می‌توان قرار بگیرند. آن‌ها را افرادی بیمار و ضعیف، فرتوت و غیر مولد معرفی می‌کنند.

پ) این‌که آیا در مورد سالمندان تبعیضی قائل می‌شود یا نه را می‌توان از دو جنبه پاسخ گفت. از نظر حقوق مدنی آن‌ها دارای حقوق بوده پس اقلیت محسوب نمی‌شوند. ولی در موضوع مباحث استخدامی و فعالیتی، جواب این سؤال مثبت است.

ت) فقر و درآمد کم که از ویژگی‌های معمول در بین گروه‌های اقلیتی است. هرچند سالمندان با این‌که بخش بزرگ‌تری از جامعه را در مقایسه با این گروه‌ها تشکیل می‌دهند، ولی بسیاری از آن‌ها از نظر اقتصادی همانند گروه‌های اقلیتی در طبقه محروم قرار دارند.

ث) بخشی از سالمندان همانند گروه‌های اقلیتی دارای هویت خاص خود و در برخی موارد وحدت سیاسی‌اند. البته باید عنوان کرد که این افراد با معیار قرار دادن موارد گوناگون (همچون فعالیت اقتصادی، سن، ویژگی‌های فیزیکی و...) سعی در تعریف هویت خود دارند و از آن‌ها گروهی غیریکنواخت ایجاد می‌کند.

با توجه به موارد گفته شده، نمی‌توان به‌صراحت عنوان کرد که سالمندان گروه اقلیتی‌اند، ولی به دلیل ویژگی‌های مشترک بین آن دو، آن را می‌توان «شبه گروه اقلیتی» نامید. (Palmore, 1978)

در جدول شماره ۱ می‌توان عوامل منجر به گسست اجتماعی سالمندان ناشی از نظریات شش‌گانه در خصوص سالمندی را مشاهده نمود.

1 -Milton Barron

2 -Louis Wirth

3 -Erdman Palmore

جدول شماره ۱: نظریات شش‌گانه در خصوص عوامل منجر به گسست اجتماعی سالمندان

نظریه سالمندی	عوامل نامطلوب منتهی به گسست
نظریه عدم تعهد	بازماندن از مداخله در زندگی اجتماعی
نظریه فعالیت	بی‌نظمی در نتیجهٔ از دست دادن نقش‌های اجتماعی
نظریه محیط اجتماعی	ضعف در سه حوزه: سلامتی؛ امکانات مالی؛ حمایت‌های اجتماعی
نظریه تداوم	تداوم ناملایمات سایر دوران زندگی در دوره پیری
نظریه افراد سالمند به‌عنوان خرده‌فرهنگ	نهادهایی که اکثریت آن را سالمندان تشکیل می‌دهند فاقد روحیه جوانی هستند.
نظریه افراد سالمند به‌عنوان گروه اقلیت	وجود برخی صفات ویژه گروه‌های اقلیت در سالمندان، همانند جداگرتنی و انزوا

منبع: یافته‌های پژوهش

چالش‌های پیش روی برنامه‌ریزی سنتی در مدیریت شهر سالمند

نمی‌توان انسان را بدون حق در نظر گرفت. به‌بیان‌دیگر حق جزئی از ذات بشری بوده و نظام‌های مختلف حقوقی و سیاسی در دوره‌های مختلف تاریخ تلاش داشته‌اند با تعریف این حق به مرزبندی شفاف با سایر موجودیت‌های مشابه بپردازند.

پرداختن به بخشی از این حقوق که مرتبط با نحوه تنظیم روابط شهروند و فضای پیرامونی وی می‌گردد، برای چند دهه موضوع مباحثات بسیاری از پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و به‌ویژه شهر جامعه‌شناسان و اقتصاددانان شهری است.

این متفکرین از زوایای مختلفی به مسئله لزوم مداخله حقوق محور و آزاد شهروندان بر فضاهای شهری پرداخته‌اند. هانری لوفورا فرانسوی که از شاگردان فکری مارکس به شمار می‌رود با بسط این مفهوم چند مؤلفه را برای آنچه شاخص‌های «حق به شهر» می‌خواند، ارائه نمود:

۱- مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی

۲- طراحی و مدیریت شهری تضمین دسترسی شهروندان به برنامه‌ریزی طراحی و مدیریت شهری

۳- هدایت متوازن و برابری طلبانه کاربری زمین برای دسترسی همگانی به مسکن و کار فعالیت و بهداشت و آموزش؛ حمل‌ونقل عمومی و فضای عمومی، اوقات فراغت و زندگی طولانی

۴- تضمین دسترسی شهروندان کم‌درآمد به مسکن مناسب و ساماندهی اسکان غیررسمی

۵- تضمین دسترسی به استفاده مشترک شهروندان از فضاهای عمومی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی در شهر.

نگاهی گذرا به این مؤلفه‌ها نشان از راه طولانی مدیریت شهری در ایران برای رسیدن به جایگاه واقعی آن به‌عنوان یک "نهاد تنظیمی" (در مقابل دستوری) دارد. به‌ویژه اگر این شاخص‌های پنج‌گانه را از منظرگاه شهروندان سالمند و ترتیبات یک شهر مطلوب و پاسخگو نسبت به شرایط و نیازهای ایشان مورد پرداخت قرار دهیم. سالمندان نیز همانند سایر شهروندان در وضع موجود در بسیاری از حوزه‌های یادشده فاقد حقوق تأمین شده هستند.

برنامه‌ریزی شهری در فرم سنتی خود در مواجهه با مسئله سالمندی دو رویکرد را تاکنون مدنظر قرار داده است.

رویکرد نخست - سالمند به‌مثابه شهروند معمولی:

در این نگاه سالمندان به‌عنوان جزئی از شهروندان با نیازهایی مشابه با دیگران در نظر گرفته شده و بر همین اساس به ارائه پاسخ‌هایی همه‌شمول، عمومی و غیراختصاصی قناعت شده است. چالش‌هایی همانند شرایط خاص فیزیکی و روانی سالمندان و یا نیازهای متفاوت ایشان برای مشارکت در توسعه روزمره اجتماع نادیده گرفته شده و بر همین اساس چنین نگاهی را می‌توان تبعیض‌آمیز، غیر سازنده و درنهایت منجر به حذف سالمند از چرخه روزمره زیست شهری دانست.

رویکرد دوم - سالمند به‌مثابه شهروند غیر تولیدگر:

پیامد رویکرد نخست از میانه دهه شصت میلادی در بسیاری نقاط جهان سالمندان را به‌عنوان یک گروه آسیب‌پذیر اجتماعی به رسمیت شناخته و تلاش گردید تا کالبد و فضای شهرها را برای حضور ایشان مهیا نمود. آنچه در عمل رخ داد تلقی سالمندان به‌عنوان یک گروه اجتماعی غیر تولیدگر و صرفاً مصرف‌کننده بود. در نتیجه چنین دیدگاهی سالمندان بیش از آنکه به‌عنوان یک شهروند در تولید تجربیات فضایی (و در مراحل بعدی کارآمدی اقتصادی و اجتماعی و نظایر آن) نقش داشته باشند، مصرف‌کننده فضا در نظر گرفته شده و پذیرش ایشان در برنامه‌ریزی و طراحی شهری محدود به تأمین مسکن و آسایشگاه‌های ارزان‌قیمت، تغییرات کالبدی در مبلمان شهری، یارانه‌های اقتصادی برای بهره‌مندی از خدمات شهری و درنهایت تبلیغات محیطی برای تکریم ایشان گردید. در این رویکرد نیز همچنان ظرفیت سالمندان برای تداوم فعالیت و نقش‌پذیری اجتماعی انکار شده و حضور پذیری فضای شهری برای سالمندان فارغ از چالش‌های روانی و جسمی ایشان هدف برنامه‌ریزی قرار گرفته است.

برنامه‌ریزی همکارانه

اصطلاح برنامه‌ریزی همکارانه در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، به دنبال یک برنامه عمل بلندمدت پژوهشی و نظریه‌ای که بر طراحی ساختارهای برنامه‌ریزی عادلانه‌تر در محیط‌های شهری و منطقه‌ای تمرکز داشت، مطرح شده است (Harris, 2002).

برنامه‌ریزی همکارانه درباره علت اهمیت مناطق شهری برای سیاست‌های شهری، اقتصادی و محیطی و چگونگی سازمان‌دهی اجتماعات سیاسی^۱ برای بهبود کیفیت مکان‌های این اجتماعات است. از طرفی این نوع برنامه‌ریزی با فراهم کردن چارچوبی هم برای تفکر و هم برای عمل، درکی جدید از چگونگی تحقق برنامه‌ریزی راهبردی را طرح می‌کند. در برنامه‌ریزی همکارانه، نظریه‌ها و تفکر پایه‌ای بکار رفته‌اند که عبارت‌اند از:

- نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی^۲، که بیشترین بنیان‌های ضروری و اصول پایه برنامه‌ریزی همکارانه را تأمین می‌کند. این شیوه برنامه‌ریزی از شیوه‌های کاربستی نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی محقق می‌شود.
- برنامه‌ریزی همکارانه با در نظر گرفتن مباحث نهادی و سامانه‌های حاکمیت - که از نظریه اجتماعی نهادباوری^۳ وارد برنامه‌ریزی همکارانه می‌شود - از سایر شیوه‌هایی که بر مبنای نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی شکل گرفته‌اند متمایز

1- Political communities

2- Communicative planning

3- Social theory of institutionalism

می‌شود. نظریه اجتماعی نهادگرا، پایه‌ای برای درک پویایی‌های مناطق شهری ۱ و چگونگی عهده‌دار شدن فعالیت سیاست عمومی ۲ به رهیافت همکارانه می‌دهد (Healey, 1997).

با ترکیب نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی و نظریه نهادباوری در برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر تفکر راهبردی از یک سو پایه‌ای نظری و از سوی دیگر دستور کار عملی برای برنامه‌ریزی همکارانه، بنا نهاده می‌شود.

- فرآیند برنامه‌ریزی همکارانه

برنامه‌ریزی همکارانه - که به سوی دگرگونی پارامترهای سیستم و کاربست‌های حرفه‌ای رایج جهت گرفته است - نیازمند راه‌اندازی فرایندی است که مبانی و انگاشت‌های نظریه‌ای این رهیافت را به عمل نزدیک کند. این فرایند از دو مرحله^۱ کلان تشکیل شده است که به‌طور موازی و در ارتباط با برنامه‌ریزی همکارانه را به عمل نزدیک می‌سازند.

الف - مرحله نخست: طراحی نهادی کاربست‌های برنامه‌ریزی برای درگیری همکارانه

برنامه‌ریزی همکارانه در پی ایجاد درکی مشترک و جدید در مورد مباحث، مشکلات و راه‌حل‌های آن در میان گروه‌های درگیر برای پیشبرد کوشش‌های راهبرد سازی است و در این راه بر استفاده از شبکه‌های موجود در یک مکان و تقویت ارتباط‌های افقی بین آن‌ها تمرکز می‌کند. از طریق این ارتباط‌ها، اندیشه‌ها و روند کارهای موجود بازبینی^۳ می‌شوند و اندیشه‌ها و روند کارهای جدیدی - که متعلق به گروه‌های درگیر مرتبط است - تولید می‌شود. برای دستیابی به این مالکیت اجتماعی^۴ لازم است اندیشه‌ها و روندهای جدیدی، رها از نگرانی‌های خاص گروه‌های درگیر، توسعه یابند تا توانایی به چالش کشیدن انگاشت‌های موجود و باز شکل‌دهی روش‌های تفکر، ارزش‌گذاری و عمل را داشته باشند. با این ویژگی‌ها راهبرد سازی در یک عمل متوازن‌سازی^۵، بین آنچه وجود دارد و آنچه می‌تواند وجود داشته باشد است: اگر تغییر در وضع موجود خیلی کم باشد، کوشش‌ها تنها وضع موجود را تکرار می‌کنند و اگر فعالیت‌ها خیلی از وضع موجود فراتر روند ممکن است خارج از محدوده مقبولیت اجتماعی و سیاسی در میان گروه‌های درگیر قرار گیرند. نوآوری چنین فرایندی نمی‌تواند با یک مدل فرایندی از پیش تعیین‌شده^۶ به دست بیاید، بلکه فرایند برنامه‌ریزی همکارانه فرآورده نوآوری محلی بر مبنای شرایط محلی است، ولی می‌توان مراحل اصلی برای ایجاد شرایط پایه برای گنجاندن درگیری همکارانه در فرایند برنامه‌ریزی شهری رایج را معرفی کرد. این مراحل می‌تواند به بازبینی اندیشه‌ها و روند کارهای موجود و تفکر در مورد امکاناتی که برای توسعه^۱ این روند کارها در جهت هدف مشخص شده می‌انجامد، یاری رساند.

ب - مرحله دوم: طراحی نهادی سامانه‌های حاکمیتی برای درگیری همکارانه

کوشش‌های برنامه‌ریزی همکارانه در فرایند راهبرد سازی در بازه شکل‌دهی سامانه‌های معنی و نقاط مرجع بر تخصیص منابع در یک سیستم حاکمیتی تأثیرگذار است و ممکن است به تغییر در قواعد قانونی و روند کارهای

1 -Urban region dynamics
2 -Public policy
3 -Review
4 -Social ownership
5 -Balancing act

۶- مانند آنچه در فرایند برنامه‌ریزی عقلانی وجود دارد.

اداری که کاربست‌های برنامه‌ریزی فضایی را مدیریت می‌کنند هم منجر شود (Healey, 1997) ایجاد چنین تغییراتی - که بدون وجود خواست سیاسی امکان‌پذیر نیست - در طراحی نهادی سامانه‌های حاکمیتی انجام می‌شود. این سطح از طراحی نهادی در پی استقرار ساختارهای قانونی و رسمی پشتیبان فرایندهای اجماع سازی و فراهم نمودن ابزارهای موردنیاز این فرایندها است. ویژگی‌های این ساختارهای قانونی و رسمی در سیستم حاکمیتی را می‌توان در زیر این‌گونه برشمرد:

به رسمیت شناختن دامنه و تنوع گروه‌های درگیر و شبکه‌های اجتماعی، مراجع فرهنگی و سامانه‌های معنی متفاوت و متنوع آن‌ها و نیز روابط پیچیده قدرت که ممکن است بین آن‌ها وجود داشته باشد.

تصدیق این‌که بسیاری از اعمال حاکمیتی در خارج از نمایندگی‌های رسمی حکومت اتفاق می‌افتد و سامانه‌های برنامه‌ریزی نیازمند پخش قدرت در خارج از نمایندگی‌های دولتی هستند.

فراهم نمودن تسهیلاتی برای ابداع غیررسمی و تنوع در روند کارها و گونه‌های سازمانی، به‌جای تحمیل اصول معمول مشخص.

تقویت امکان حضور همه اعضای اجتماع سیاسی در عین به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی آن‌ها و راه‌های تفکر و سازمان‌دهی متنوعی که به همراه دارند.

پاسخگویی پیوسته و در دید همگان، در مورد بحث‌ها، اطلاعات، تصورات و استعاره‌هایی که پشت تصمیمات حاکمیت رسمی قرار دارد.

نتیجه‌گیری جهت استفاده از برنامه‌ریزی همکارانه در مواجهه با سالمندی در شهر

مطابق آنچه در نظریه تداوم مطرح شد، سالمندان به دلیل تجربه عدم سازگاری ناشی از گسست بین نسلی با جامعه به روزشان، می‌توانند مشکلاتی را به دلیل ناتوانی در بیان چالش‌های خود و درک چالش‌های دیگر گروه‌های درگیر تجربه کنند. از طرفی به دلیل نبود چنین دانشی بین گروه‌های درگیر و همچنین نبود فرصت تعاملی برای آن‌ها، عدم تعهد بین آن‌ها شکل می‌گیرد. چنین شرایطی شناخت گروه‌های درگیر را نیز کمرنگ می‌کند. «استفاده از دانش محلی» به‌منظور شناخت مطالبات گروه‌های درگیر، در کنار دانش سامانمند می‌تواند قدمی در جهت تعریف این گروه‌ها باشد.

انواع مختلف شناخت و استدلال -از تحلیل عقلانی سامانمند^۱ تا داستان‌سرایی^۲ و بیانیه‌هایی به‌صورت تصاویر، کلمات و صداها- در برنامه‌ریزی ارتباطی به رسمیت شناخته می‌شود. سایر اشکال شناخت امکان به‌کارگیری از گروه‌های مختلف درگیر را ایجاد می‌کند و قابلیت واکنش برنامه‌ریزی در متنی از گفتگوها درباره مشکلات و امکانات^۳ در محیط عمل را امکان‌پذیر می‌کند و ظرفیت بیشتر برای مخالفت با تمایلات سلطه‌جویانه سامانه‌هایی که با بازار و دولت در ارتباط هستند را فراهم می‌کند. (Healey, 1997)

1 -Rational Systematic Analysis

2 -Expressive Statements

3 -Possibilities

افراد دارای سامانه‌های انگاشتی، نظری، شناختی و راه‌های استدلال و ارزش‌گذاری ویژه خود هستند که در جوامع متنوع و دارای تجربه گفتمان^۱، گفت‌و شنود^۲ و یا مناظره متفاوت شکل گرفته‌اند. برنامه‌ریزی ارتباطی شهری بر آن است تا در صورت نبود زبان مشترک به سطوح مختلف درک متقابل دست پیدا کرد. در میان گروه‌های درگیر به‌منظور فراهم شدن امکان توسعه اندیشه، ایجاد ظرفیت مشترک برای بردباری در مقابل تصمیمات ناسازگار با منافع گروه‌های درگیر مختلف، ایجاد هماهنگی بین اقدامات و اعمال نمایندگی‌های مختلف و وارد شدن برنامه‌ریزی شهری به زمینه روابط اجتماعی و امکان تغییر آن‌ها، هم‌رایی بکار گرفته می‌شود. (Healey, 1997)

چنین فرایندی دارای میان‌کنش است که تنها شامل تبادل یا چانه‌زنی در مورد منافع از پیش تعیین شده نیست، بلکه یک فرایند یادگیری متقابل توسط کوشش برای درک متقابل است. زیرا این می‌تواند اولویت‌های ثابت را در زمان بیان منافع جمعی دچار تغییر کند. مردم منافع و انتظارات متضادی دارند و روابط قدرت می‌توانند نه تنها از طریق منافع مادی بلکه از طریق تحمیل فرضیات و اعمالی که به بدن تفکر، درست فرض می‌شوند بر مردم مسلط شوند. برنامه‌ریزی وظیفه یافتن راه‌هایی برای دلیل آوردن در بین ادعاهای رقیب در مورد عملی است که اتفاق می‌افتد با احتساب این فرض که همه ادعاها ارزش پاسخگویی داشته و هیچ راه‌حل اعلام شده کنار گذاشته نمی‌شود.

در میان گروه‌های درگیر چنین اقدامی به معنی دستیابی به وضعیتی است که گروه‌های درگیر بر سر یک تصمیم به توافق^۳ رسیده‌اند؛ هرچند که این تصمیم لزوماً تأمین‌کننده منافع فردی و از پیش تعیین شده همه آن‌ها نباشد. فعالیت‌های راهبرد سازی که با چنین اجماعی انجام می‌شوند، کوشش‌های آگاهانه در تغییر گفتمان‌های سیاسی، فرایندهای سیاسی، قواعد و جریان‌های منابع به شمار می‌آیند. در این فعالیت‌ها مشارکت‌کنندگان نه تنها درباره منافع، ترجیحات و ارزش‌های یکدیگر، بلکه درباره این که سایر مشارکت‌کنندگان به چه چیزی و چرا اهمیت می‌دهند هم می‌آموزند. این هم‌رایی از یک‌سو محصول اصلی به‌کارگیری رهیافت همکارانه است و از سوی دیگر تولیدکننده سرمایه‌های نهادی- که برای راه‌اندازی درگیری همکارانه موردنیاز است- به شمار می‌آید.

شناخت انجام شده در مرحله قبل، به‌طور مستقیم مشکلات هر دو گروه درگیر در قبال سالمندان را به‌روشنی بیان می‌کند. آن می‌تواند نبود نقش جدید متناسب با ویژگی‌های سالمندان (نظریه فعالیت)، عدم تعهد بین نسلی (نظریه عدم تعهد)، تعاریف و هنجارهای منفی و محدودکننده موجود در مورد سالمندان (نظریه محیط اجتماعی)، انزوای سالمندان، کمبود رفاه و کارا نبودن تغییرات هنجاری بر روی سالمندان (نظریه خرد فرهنگ) و یا اقدامات تبعیض‌آمیز گروه‌های درگیر در قابل همدیگر (نظریه گروه‌های اقلیت) را به‌روشنی بیان کند. با توجه به وسعت مسائل بیان شده، حوزه بحث و گفت‌وگو باید بین گروه‌های درگیر تعیین شود تا پس از انجام بحث در مورد آن، بتوان آن را در حوزه‌های رسمی نیز پیگیری کرد. به‌علاوه تمامی گروه‌های درگیر در چنین مباحث سازمان‌یافته‌ای نادیده انگاشته نشده و روند انجام آن مطابق با شرایط اجتماعی، فرهنگی و... در حضور تسهیلگران انجام خواهد گرفت. چنین اقداماتی برای راه‌اندازی گفتمان سیاسی انجام می‌شود تا در آن فرصتی برای تعریف و یا تغییر

1 -Discourse

2 -Dialogue

3 -Agreement

سامانه‌های معنایی گروه‌های درگیر و در نتیجه آن امکان رسیدن به توافق در میان تفاوت‌ها است و مسائل ناشی از عدم تعامل و تعهد بین نسلی، مصالحه و نیازهای دو گروه و ایجاد بستر برای تغییر هنجارهای آن‌ها برطرف شود. نهادها ۱ در نظریه اجتماعی نهادباوری، مجموعه‌ای از قواعد و قوانین رسمی و غیررسمی‌اند که به اقدامات بازیگران مختلف ساختار می‌دهند (Faludi, 2000)، (Alexander, 2015). طراحی نهادی ۲ در سطوح متفاوتی انجام می‌شود تا قوانین، روش‌ها و ساختارهای سازمانی در آن درک شود تا رفتار و عمل را قادر به تطابق با ارزش‌های از قبل تعیین‌شده، دستیابی به مقاصد دلخواه و اجرای امور واگذار شده بکند. (Alexander, 2015). برنامه‌ریزی شهری با همکاری بخش‌های عمومی - خصوصی ۳ در توسعه‌های شهری، برنامه تأمین مسکن، برنامه‌های توسعه اقتصاد محلی، سازمان‌هایی با اهداف ویژه مانند سازمان‌ها و برنامه‌های تجدید حیات شهری، سازمان‌ها و برنامه‌های مدیریت زیست‌محیطی، برنامه‌های کاهش مخاطرات طبیعی، برنامه‌های تأمین زیرساخت‌ها و پروژه‌های توسعه در طراحی نهادی در سطح میانی قرار می‌گیرد. سطح خرد طراحی نهادی شامل طراحی نهادهای درون‌سازمانی است که به خرد واحدهای سازمانی و واحدهای اجتماعی نیمه‌رسمی یا غیررسمی مانند کمیته‌ها و گروه‌ها مربوط می‌شود. برنامه ریزان در عمل خود، همانند سایر متخصصان، مدیران و مجریان و هرکس که نسبت به ساختار دادن و مدیریت یک سازمان یا فرایندهای سازمانی وظیفه حصول اطمینان از مؤثر بودن آن دارد، پیوسته با این سطح از طراحی نهادی درگیر هستند.

راهبرد سازی به‌عنوان فرایند تغییر آگاهانه پارادایم ۴- به‌عنوان وسیله تغییر سامانه‌های شناخت و چارچوب مرجع- تعبیر می‌شود و در رهیافت همکارانه برداشت گسترده‌ای از آن برای تولید برنامه انجام می‌شود (Healey, 1997). چگونگی تغییر پارادایم در فرایند راهبرد سازی در مسیر دستیابی به هم‌رایی و با تکیه بر دانش محلی در کنار دانش فنی و سامانمند و از طریق فرایندهای درگیری همکارانه مشخص می‌شود. در این فرایندها که امکان گفت‌و شنود و مباحثه میان گروه‌های درگیر را فراهم می‌کنند، هم اندیشه‌های موجود در نزد این گروه‌ها مرور می‌شود و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد و هم اندیشه‌های جدید- که عمیقاً متعلق به گروه‌های درگیر مربوطه هستند- ایجاد می‌شوند. این فرایندها نیازمند فعالیتی بازتابی در میان گروه‌های درگیر است که این گروه‌ها از نگرانی‌ها و منافع خاص خودشان فراتر رفته، درباره مشکلات، فرصت‌ها و قیود در مورد موضوع مورد برنامه‌ریزی تفکر دوباره نمایند. در چنین زمینه‌ای امکان باز شکل‌دهی ۵ و تغییر چارچوب‌های مرجع، انگاشت‌های فرهنگی، سامانه‌های معنی که پایه مباحث و تصمیم‌گیری‌ها هستند به وجود می‌آید و فرایند راهبرد سازی فراتر از تولید تصمیم‌های جمعی، به فرایند تغییر آگاهانه پارادایم تبدیل می‌شود.

بخش بزرگی از چالش‌هایی که سالمندان در شهر مواجه‌اند، فارغ از ویژگی‌های فراگیر بین افراد این گروه بوده و مستقیماً ناشی از اقدامات و تصمیم‌های سازمان‌ها، نهادها و مجریان مسئول امور سالمندان و یا شهر است. تغییرات در طراحی نهادی سامانه‌های حاکمیتی چنین نیازی را در این حوزه برآورده خواهد کرد، که انتظار می‌رود تا تغییرات

1 - Institution
 2 - Institutional Design
 3- Public – Private Partnership (PPP)
 4 -Deliberative Paradigm Change
 5 -Reshaping

بر اساس اقدامات عنوان‌شده در فرایند برنامه‌ریزی همکارانه در طراحی نهادی سامانه‌های حاکمیتی پیش رود. به‌گونه‌ای که مباحث برای همه افراد و سالمندان همه‌شمول بوده، تنوع گروه‌های درگیر و ویژگی‌های بنیادی آن‌ها و به رسمیت شناخته‌شده، اعمال حاکمیتی خارج از نمایندگی‌های رسمی حکومت (همچون درگیر کردن سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد) انجام شود. چنین تغییری در کنار ایجاد، تعریف و یا بازتعریف نقش‌ها، سهم هرکدام از گروه‌های درگیر را نیز تدقیق خواهد کرد که در فرایند راهبرد سازی گروه‌های درگیر را به‌طور پویا به سمت ایجاد یک توافق پیش خواهند راند.

منابع

- Alexander, E. (2015). Institutional Transformation and Planning: From Institutionalization Theory to Institutional Design. 4, 209-223.
- Atchley, R. C. (1989, April 1). A continuity theory of normal aging. *The Gerontologist*, 29(2), 183-190.
- Bengtson, V. L., Gans, D., Putney, N. M., & Silverstein, M. (2012). *Handbook of Theories of Aging* (Second Edition ed.). New York: Springer Publishing Company.
- Cuellar, J. B., Stanford, E. P., & Miller-Soule, D. I. (1992). *Understanding Minority Ageing: Perspectives and Sources*. San Diego: University Center of Ageing.
- Cumming, E., & Henry, W. E. (1981). *Growing Old, the process of disengagement*. New York: Basic Book.
- Ebersole, P., Hess, P., Touhy, T., & Jett, K. (2015). *Gerontological Nursing and Healthy Aging*. Mosby Canada: Elsevier Mosby.
- Faludi, A. (2000). *The Performance of Spatial Planning, Planning Practice and Research*.
- Harris, N. (2002). *Collaborative Planning: From Critical Foundations to Practice*. (P. Allmendinger, & M. Tewdwr-Jones, Eds.) London: Routledge.
- Harwood, J. (2007). *Understanding Communication and Aging: Developing Knowledge and Awareness*. Thousand Oaks, California: SAGE Publications.
- Healey, P. (1997). *Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies*. UBC Press.
- Hochschild, A. R. (1998). *The Unexpected Community: Portrait of an Old Age Subculture*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Innes, J., & Booker, D. (1999). Consensus Building as Role Playing and Bricolage. *American Planning Association*, 65(1), 9-26.
- Loue, S., & Sajatovic, M. (2008). *Encyclopedia of Aging and Public Health*. New York: Springer US.
- Mantysalo, R. (2005). *Approaches to Participation in Urban Planning Theories*.
- McClelland, K. A. (1982). Self-Conception and Life Satisfaction: Integrating Aged Subculture and Activity Theory. *Journal of Gerontology*, 37(6), 723-732.
- Morgan, L., & Kunkel, S. (2011). *Aging: The Social Context* (Second Edition ed.). California: Pine Forge Press.
- Palmore, E. (1978). Are the Aged a Minority Group? *Journal of The American Geriatrics Society*, 214-217.
- Schulz, R. (2016). *The Encyclopedia of Aging* (Forth Edition ed., Vol. 1). New York: Springer Publishing Company.
- . بازیابی در ۲ ۱۰، ۱۳۹۷، از Fars News Agency فارس، خ. (۱۳۹۶، ۱۰، ۴).
<http://www.farsnews.com/13961003001554>